[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]

[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

بررسی نقش ظهوری ترشیزی در گسترش فرهنگ و زبان فارسی در دکن

حسین محمدی*

چکیده

در قرن‌های هفتم تا یازدهم، حاکمان مسلمانی در شبه‌قارهٔ هند به قدرت رسیدند که به فرهنگ و زبان فارسی علاقه‌مند بودند. درپی این تغییر، ایرانیان به‌دلایل گوناگون به هندوستان مهاجرت کردند و در دربار فرمانروایان محلی به انواع قدرت‌های سیاسی، نظامی، و اقتصادی دست یافتند و زمینهٔ رشد و گسترش فرهنگ و ادب فارسی را در شبه‌قارهٔ هند فراهم کردند. مولانا نورالدین محمد ظهوری ترشیزی (۹۹۴-۱۰۲۵ هـ‌ق) از شاعران ایرانی اهل خراسان بود که در قرن دهم به هند مهاجرت کرد و به خدمت حکومت نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان درآمد و در دکن به مقام ملک‌الشعرائی رسید. ظهوری، طی چهاردهه حضور در دکن (جنوب هند)، در راه گسترش زبان و فرهنگ ایرانی بسیار کوشش کرد. در مقالهٔ حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، کوششی برای تبیین این نکته صورت گرفته است که ظهوری ترشیزی در گسترش فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند چه نقشی ایفا کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ظهوری، باوجود موانع بسیار، به‌ویژه سعایت دشمنان ایران و به‌خصوص شیعیان در دکن، در سایهٔ حمایت و تشویق حاکمان آن سامان، توانست با خلق آثار ادبی ارزنده، فرهنگ و زبان فارسی را در شبه‌قارهٔ هند گسترش دهد. ارائهٔ تصویری واقع‌بینانه از تأثیر ظهوری ترشیزی و آثار ادبی او و چگونگی حمایت و تشویق حاکمان نظام‌شاهی و عادل‌شاهی در گسترش فرهنگ و زبان فارسی از نتایج مقالهٔ حاضر است.

کلیدواژه‌ها: ظهوری ترشیزی، زبان فارسی، نظام‌شاهیان، عادل‌شاهیان، شبه‌قارهٔ هند.

*استادیار تاریخ دانشگاه خوارزمی h.mohammadi@khu.ac.ir

CC BY NC

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۰

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شمارهٔ۹۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۶۱-۲۸۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]

[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

Investigating the Role of Zohuri Torshizi in the Development of Persian Culture and Language in Deccan

Hossein Mohammadi*

Abstract

In the seventh to eleventh centuries A.H., Muslim rulers came to power in the Indian subcontinent who were interested in Persian culture and language. Following this change, the Iranians emigrated to India for various reasons and gained a variety of political, military, and economic powers at the court of local rulers, paving the way for the growth and spread of Persian culture and literature in the Indian subcontinent. Maulana Noureddine Mohammad Zohuri Torshizi (944-1025 A.H.) was an Iranian poet from Khorasan who emigrated to India in the tenth century and served the rules of Nizam Shahi and Adil Shahi dynasties and became the poet laureate in Deccan. During his four decades of presence in Deccan (southern India), Torshizi worked hard to spread the Iranian language and culture. In the present article, by descriptive-analytical method and using library sources, an attempt has been made to explain the role of Zohuri Torshizi in the spread of Persian culture and language in the Indian subcontinent. The findings show that Torshizi, despite many obstacles, especially calumnies by the enemies of Iran and of the Shiites in Deccan, with the support and encouragement of the rulers, was able to spread Persian culture and language in the Indian subcontinent by creating valuable literary works. The results of the present article provide a realistic picture of the role of Zohuri Torshizi and his literary works and how to support and encourage Nizam Shahi and Adil Shahi rulers in the development of Persian culture and language.

Keywords: Zohuri Torshizi, persian language, Nizam Shahi, Adil Shahi, Indian subcontinent.

*Assistant Professor in History at Kharazmi University,
h.mohammadi@khu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

۱. مقدمه

در سال‌های پایانی قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، غزنویان برای حفظ و گسترش متصرفاتشان از خراسان به هند لشکر کشیدند و اسلام با زبان پارسی به سرزمین سند و دیگر نواحی هندوستان راه یافت (صفا، ۲/۱۳۶۴: ۳۳۱). دیری نگذشت که با تشکیل حکومت اسلامی و گاه ایرانی، اسلام و زبان فارسی و تصوف در هند گسترش یافت (براون، ۱/۱۳۶۷: ۱۳۶). حضور ابوریحان بیرونی در برخی از لشکرکشی‌های محمود به هندوستان، که در *تحقیق ماللهند* انعکاس یافته است، تا حدودی مؤید این امر است (مجومدار، ۲۰۰۲: ۵۳۳/۶). به‌این‌ترتیب، زبان فارسی تا هشتصدسال به زبان دین و سیاست و فرهنگ و ادب در هند تبدیل شد که عامل مهمی در پیوند دو ملت بزرگ هند و ایران به‌شمار می‌آید. نوشته‌های فارسی درقالب شعر و تاریخ در شناسایی تاریخ هندوستان از قرن یازدهم تا نوزدهم میلادی نقش بسیار مهمی داشته است. تاریخ حکومت‌های هندی در آثار منظوم و منثور فارسی حفظ شده است (حسین، ۱۹۷۷: ۱۱۵).

شبه‌قارهٔ هند، از روزگار ورود زبان فارسی به حوزه‌های گوناگون آن، مانند مذهب، آداب‌ورسوم، سنن ملی، ادبیات و فکر و اندیشه، موسیقی، نقاشی و خطاطی، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفت. علاوه‌براین، قداست زبان فارسی، ازآنجاکه زبان دین نیز به‌شمار می‌آمد، اهمیت بیشتری به این زبان در شبه‌قاره بخشید. با گسترش زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند، تألیف و تدوین فرهنگ‌های لغت و دستور زبان فارسی نیز در کانون توجه قرار گرفت. یکی از پژوهشگران تاریخ و ادبیات هند معتقد است، پنجاب در میان دیگر مناطق شبه‌قاره، در جایگاه قدیمی‌ترین سرزمین، سهم بیشتری در جذب زبان و فرهنگ فارسی داشت و تا قرن‌ها آن را حفظ کرد (طالب، ۱۹۷۷: ۲۱۵). در دهلی و دیگر مناطق هند زبان و شعر فارسی رونق گرفت و حضور ادیبان ایرانی، چون تاج‌الدین حسن، شهاب‌الدین محمد رشید، و قاضی حمید مراغه‌ای در حکومت غوریان و همین‌طور حمایت حکومت مملوکان از زبان فارسی و خلق آثار فارسی، ازجمله *تاج‌المآثر* اثر صدرالدین محمدبن‌حسن نظامی نیشابوری و *طبقات ناصری* اثر قاضی منهاج‌الدین جوزجانی، در گسترش زبان فارسی نقش مهمی داشتند (مجومدار، ۲۰۰۲: ۵۳۳/۶). سلسله‌هایی همچون لودیان و شیرشاهیان و پادشاهان بنگاله، مالوه، گجرات، کشمیر و خاندیش، کم‌وبیش پارسی‌دوست و گاه پارسی‌سرای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

بوده‌اند. سکندرشاه لودی (۹۲۳-۸۹۴هـ)، دومین پادشاه از سلسلهٔ لودیان دهلی، با شاعران روابط خوبی داشت و خود با تخلص گلرخ شعر می‌سرود (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۴۴۹). تاج‌الدین ریزه و ضیاءالدین سجزی تاریخ سلسلهٔ مملوکان را به نظم درآوردند. امیرخسرو دهلوی با آثار ارزشمندش به فارسی، چون *تاریخ علایی* (*خزاین‌الفتوح*)، *تاج‌الفتوح*، *نه‌سپهر* و *تغلق‌نامه*، مربوط به حوادث دوران مملوکان، خلجیان و تغلقیان، خواجه عبدالملک عصامی در شاهنامه‌ای که به تقلید از *شاهنامهٔ* فردوسی سرود، حوادث دوران سلطان محمود غزنوی، خلجیان، و تغلقیان را در دوازده‌هزار بیت در سال ۷۵۰ هجری قمری (۱۳۴۹ م) به نظم کشید و آن را *فتوح السلاطین* نامید. خواجه نظام‌الدین حسن دهلی در زمان علاءالدین خلجی، که او را سعدی هندوستان می‌نامیدند، *فواید و الفواد* را نوشت و حضور صدرالدین علی فخرالدین غواص، حمیدالدین راجا و مولانا عارف عبدالحکیم (عبید حکیم) و شهاب‌الدین صدرنشین، که هرکدام دیوانی به فارسی داشتند و ضیاءالدین برنی و اثر معروفش *تاریخ فیروزشاهی* اسناد استواری بر همت پارسی‌زبانان هندوستان است. یحیی‌بن‌احمد سرهندی رساله‌ای برای موعظالدین مبارک‌شاه دوم (۱۴۲۱-۳۴م) نوشت و محمود گاوان در عصر بهمنیان دکن با اثری به نام *ریاض‌الانشاء و مناظر الانشاء* مردم شبه‌قارهٔ هند را با زبان فارسی آشناتر کرد (مجومدار، ۲۰۰۲: ۵۳۵/۶).

دراین‌میان، آثار بسیاری در علوم مختلف از سانسکریت به فارسی ترجمه شد. در دورهٔ مغولان کبیر، حاکمان در تکریم و حمایت شاعران و نویسندگان و مؤلفان ایرانی بر دیگر حاکمان پیشی گرفتند و بسیاری از ادیبان و شاعران ایرانی، که در سدهٔ دهم و یازدهم به هندوستان رفتند، در خدمت این پادشاهان به‌سر بردند و آنان را مدح گفته‌اند. احمد نعمانی در کتاب *با کاروان هند* هفتصد شاعر را نام برده است که به دربار شاهان هند راه یافتند (نعمانی، ۱۳۶۸: ۴-۳). صفا یکی از دوره‌های مهم ترویج زبان و شعر فارسی را با عصر مغولان کبیر در شمال هند مرتبط دانسته است، این همان دوره‌ای است که تشویق و تکریم مؤلفان و شاعران پارسی‌گوی به حد اعلای خود در سراسر دورهٔ تاریخ ادب فارسی رسید و دیگر نظیری نیافت، به‌طوری‌که حمایت آن پادشاهان از ادب فارسی نجات‌بخش واقعی شعر و ادب فارسی شد (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۴۴۹). ابوالفضل علامی در *آیین اکبری* شاعران دوران اکبرشاه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

را بیش از شصت‌نفر ذکر کرده است که ازجملهٔ آنها ملک‌الشعراء فیضی و عرفی شیرازی را می‌توان نام برد (همان).

پس از انقراض حکومت بهمنیان در جنوب هند (دکن) و حضور پنج حکومت منشعب از آن، ازجمله قطب‌شاهیان، نظام‌شاهیان، عادل‌شاهیان، بریدشاهیان، عمادشاهیان و همین‌طور آصف‌جاهیان، فرهنگ و ادب فارسی بیش‌ازپیش رونق گرفت. دربار نظام‌شاهیان احمدنگر (۱۰۰۶-۸۹۶ هـ) و عادل‌شاهیان بیجاپور (۸۹۵-۱۰۹۷ هـ) پناهگاه مناسبی برای ایرانیان بود و نقش مهمی در گسترش زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند داشت (باباسالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

حمایت‌نکردن شاهان صفوی از شاعران، اوضاع نابسامان اجتماعی، تنش و درگیری‌های صفویان با برخی از سادات بر سر قدرت‌گرفتن صوفیان و فقها، برخی از عواملی است که به مهاجرت ایرانیان به هند به‌ویژه دکن منجر شد. مهاجرت این افراد پیامدهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی در دکن داشت. حمایت حکومت‌های اسلامی دکن ازجمله نظام‌شاهیان (۸۹۵-۱۰۴۸هـ) و عادل‌شاهیان (۸۹۵-۱۰۹۷هـ) و واگذاری مناصب بالای اداری و سیاسی و دیوانی به ایرانیان از دیگر عوامل این مهاجرت‌ها بود. حضور نخبگان ایرانی در دکن همراه با حمایت حاکمان سبب گسترش مذهب تشیع و زبان فارسی و درنهایت رواج فرهنگ و تمدن ایرانی‌ـشیعی در دکن شد. ظهوری ترشیزی یکی از این مهاجران ایرانی بود که با حمایت حاکمان نظام‌شاهی و عادل‌شاهی با خلق آثار ادبی نقش مؤثری در گسترش فرهنگ و زبان فارسی در دکن ایفا کرد. در این جستار، کوشش می‌شود تا نقش ظهوری ترشیزی در گسترش فرهنگ و زبان فارسی در دکن تبیین شود.

۱.۱. پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ موضوع پژوهش چند مقاله و کتاب به‌صورت غیرمستقیم به رشتهٔ تحریر درآمده است: ازجمله، «علل گسترش و رواج زبان و ادب فارسی در هند» (بی‌تا) از خان‌محمد عامر؛ «ملاحظاتی در ساختار ساقی‌نامه با تأکید بر دو نمونهٔ گذشته و معاصر» (۱۳۸۵) از منوچهر جوکار؛ مقاله‌ای به زبان انگلیسی به‌قلم ساراسواتی با عنوان «دلایل مهاجرت ایرانیان به هند در قرون ۱۶-۱۸ میلادی» (۲۰۱۹) در دانشگاه میسور نوشته شده است. دریاباری و تجلیل (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به نقش نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان در خلق آثار تعلیمی ظهوری ترشیزی پرداخته‌اند؛ مقالهٔ «سه‌تن از بزرگ‌ترین مروجان شعر فارسی در سبک هندی در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

هندوستان» (۱۳۹۴) از حسن‌پور آلاشتی منتشر شده است که نقش عرفی، ظهوری ترشیزی و طالب آملی را در سبک ادبی هند و تأثیر آنها را بر دیگر شاعران ازجمله بیدل دهلوی بررسی کرده است؛ مقالهٔ «سه نثر ظهوری ترشیزی و جایگاه آن در ادبیات فارسی» (۱۳۹۸) از علی‌اصغر باباسالار از دیگر آثار دربارهٔ ظهوری و جایگاه اوست؛ کتاب *ساقی‌نامهٔ* ترشیزی نیز با تصحیح و تعلیقات علی‌اصغر باباسالار و همکاران (۱۳۹۴) منتشر شده است.

کلیهٔ پژوهش‌های ذکرشده، به‌خصوص مقالات، از منظر ادبی و مباحث تخصصی شعر و زبان فارسی به موضوع نگاه کرده‌اند، اما در این پژوهش توجه پژوهشگر به مباحث تاریخی و نقش تاریخی ظهوری ترشیزی در گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قارهٔ هند و حمایت‌های حاکمان مسلمان جنوب هند، ازجمله نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان، از فرهنگ و زبان فارسی است. دربارهٔ موضوع جستار حاضر، یعنی نقش ظهوری ترشیزی در گسترش فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند و ایجاد پیوند میان دو ملت، به‌صورت جسته و گریخته در تذکره‌ها و برخی آثار و منابعی که دربارهٔ پیوند دو ملت نوشته شده اشاراتی اجمالی آمده است، اما به‌طور اختصاصی مقاله‌ای دراین‌باب نوشته نشده است.

۱. ۲. روش تحقیق

روش پژوهشی که در این جستار به‌کار گرفته شده و یافته‌های پژوهشی بر اساس آن طبقه‌بندی و تحلیل شده است، روش تحلیلی‌ـتوصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

۲. پیوند فرهنگی ایران و هند

۲. ۱. پیشینهٔ پیوند فرهنگی

سرزمین هند از روزگار هخامنشیان شناخته شده بود و با انقراض ساسانیان به‌دست مسلمانان مهاجرت گروهی از طبقهٔ نجبای ایرانی به هند به‌صورت وسیع آغاز شد. با آمدن مسلمانان به ایران، اسلام ازطریق ایران و با زبان فارسی به شبه‌قارهٔ هند رفت. در قرن‌های ۱۶ تا ۱۸میلادی، مهاجرت ایرانیان با تشکیل حکومت صفویه در ایران و مغولان کبیر در هند با دلایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری شدت گرفت و این خود دلیلی روشن در گسترش زبان فارسی در هند بود (ساراسواتی، ۲۰۱۹: ۱۰۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

ایجاد مؤسسات آموزشی به‌همت مهاجران شیعهٔ ایرانی و حضور عالمان در این مؤسسات و تدریس زبان فارسی نقش بسزایی در گسترش زبان فارسی در دکن داشت. در دارالشفاء میرمحمدمؤمن استرآبادی در دورهٔ قطب‌شاهیان علاوه‌بر مسائل درمانی تألیف کتاب‌های علمی به زبان فارسی نیز صورت می‌گرفت (نقوی، ۱۹۹۴: ۲۲۶). جلسات ادبی بین علما و فضلا و خواندن آثار معروف حافظ، سعدی، مولوی، خاقانی، و انوری دیگر عامل گسترش زبان فارسی در هند بود. ابن‌خاتون کتاب *اربعین* شیخ‌بهایی را از عربی به فارسی ترجمه کرد و به‌عنوان ترجمهٔ قطب‌شاهی به سلطان تقدیم کرد (معصومی و اصغری، ۱۳۹۷: ۱۰۹). حضور شیعیان ایرانی در دکن زمینهٔ ترویج زبان فارسی را در این منطقه فراهم کرد. حاکمان دکن همواره به آموختن زبان فارسی علاقه‌مند بودند. از کسانی که در زمینهٔ ترویج زبان فارسی در این دوره فعالیت داشتند می‌توان شاه‌نوازخان را نام برد. او زبان فارسی را به ابراهیم عادل‌شاه دوم تعلیم داد، به‌طوری‌که بر اثر آموزش او، ابراهیم در تکلم زبان فارسی مهارت یافت (معصومی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

برخی از پزشکان مهاجر به هند شاعر نیز بودند و با تشکیل انجمن ادبی و خلق فرهنگ‌نامه‌های تخصصی و تألیفات پزشکی و دامپزشکی و داروسازی به زبان فارسی سهم بسزایی در گسترش زبان و فرهنگ فارسی داشتند. ازجمله معروف‌ترین این پزشکان که در دربار گورکانیان هند به مقام بالایی رسید، میرزا محمدهاشم علوی‌خان شیرازی و امیر سید فتح‌الله شیرازی پزشک، مورخ و سیاستمدار بود (اسلامی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹). حکیم ابوالفتح گیلانی در دربار اکبرشاه در سال ۹۸۷ هجری به مقام صدارت استان بنگال منصوب شد. او در جایگاه حکیم و پزشک به ادب و هنر هم بسیار علاقه‌مند بود و از شاعران و عالمان ایرانی بسیار حمایت کرد (عامر، بی‌تا: ۴۸).

یکی دیگر از گروه‌های مؤثر در رشد و گسترش فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند صوفیان ایرانی مهاجر به هند بودند. این گروه در زندگی مردم عادی تأثیرگذار بودند. با تشکیل حکومت بهمنیان و حمایت این حکومت از فرهنگ و تمدن ایرانی، تفکر صوفیه که به زبان فارسی با مردم ارتباط داشتند رشد کرد. البته، سیر مهاجرت‌ها، که از زمان غزنویان آغاز شده بود، در دورهٔ بهمنیان در دکن افزایش یافت و در عصر صفویان به‌دلیل سختگیری‌های این حکومت و جاذبهٔ شبه‌قارهٔ هند به اوج رسید (مود، ۲۰۰۵: ۶). اصولاً، پذیرش همه نوع تفکر و مذهب توسط صوفیان سبب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

گرایش مردم هند به این گروه شد (قاسمی، بی‌تا: ۵۹). صوفیان ایرانی چون شیخ‌طاهر (۱۵۹۵م)، شیخ‌عارف (۱۵۸۵م)، شیخ‌عیسی (۱۶۲۲)، شیخ‌برهان، و محمد گیسودراز در هند نیز سبب افزایش توجه مردم به زبان فارسی می‌شدند (مریم، ۲۰۱۲: ۱۱۵-۱۰۷).

وزیران و امیران ایرانی نیز در دربار حاکمان هندی با حمایت‌ها و تشویق‌های خود زمینهٔ رواج و رونق زبان فارسی را فراهم می‌ساختند. محمد بیرام‌بیگ ملقب به خان‌خانان سپهسالار همایون و اکبرشاه از مشاهیر و شعرا و دولتمردان ایرانی و شیعی است که به تشویق او همایون به ایران آمد و شاه‌طهماسب هم سپاهی برای حمایت او فرستاد. او بعد از مرگ همایون به مقام نایب‌السلطنگی هند رسید و تربیت اکبر را به عبداللطیف قزوینی سپرد و او هم امور را به سرداران شیعی ایرانی واگذار کرد (عامر، بی‌تا: ۴۶). بیرم‌خان شاعری بلندپایه بود و به زبان فارسی دیوان داشت و شاگردان فراوانی را آموزش داد؛ ازجمله سهی بخارایی، منظری سمرقندی، مولانا محمدهاشم سیاقی دهلوی، محمدقاسم اسیری. محمدرحیم‌خان ملقب به خان‌خانان پسر بیرم‌خان، که از امرای برجستهٔ عهد اکبرشاه و جهانگیر بود، نیز مسئول رونق شعر و ادب فارسی بود. صاحب *مآثر رحیمی* شمارهٔ کتاب‌های کتابخانهٔ خان‌خانان را نزدیک به ۲۴۰۰۰ جلد دانسته است (همان، ۴۷). یکی دیگر از مهم‌ترین و مؤثرترین سیاستمداران ایرانی در دربار بهمنیان دکن، محمود گاوان بود. او از گیلان مهاجرت کرد و به خدمت حکومت بهمنیان در دکن درآمد و حدود چهل‌سال در دربار بهمنیان و نزد سه‌تن از پادشاهان بهمنی خدمت کرد. او مشوق شعرا و شیعیان و ایرانیان بود (مود، ۲۰۰۵: ۵). از خاندان اینجوها، میرفضل‌الله اینجو (پدر)، که از سادات شیراز بود، در خدمت محمودشاه بهمنی به صدارت رسید. میرفضل‌الـله اینجو (پسر) نیز، که در دوران سه‌تن از پادشاهان بهمنی قدرتمندترین و دانشمندترین شاهان بهمنی، یعنی سلطان فیروزشاه، را تربیت کرد و او را متوجه علوم اسلامی و زبان فارسی کرد، در رونق فارسی سخت کوشید (همان، ۴۸).

کتاب‌های تاریخ و فرهنگ‌های لغت نیز در هندوستان نیز به زبان فارسی تألیف شده‌اند. *تاج المآثر* اولین کتاب تاریخ هند به زبان فارسی است که در دورهٔ قطب‌الدین ایبک (۱۲۱۰-۱۲۰۶م/ ۶۰۲-۶۰۷ هـ) اولین فرمانروای مملوک در هند تألیف شد. سپس، تا انقراض حکومت تیموریان هند (۱۲۷۴هـ/ ۱۸۵۷م) صدها کتاب تاریخ به فارسی تألیف شد (قاسمی، بی‌تا: ۵۹). کتاب *تذکرةالملوک* اثر رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی یکی از مهم‌ترین کتاب‌های فارسی دربارهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

تاریخ سلسلهٔ بهمنیان و عادل‌شاهیان است که نثری ساده و روان دارد و مؤلف از آیات قرآن و عبارات عربی نیز استفاده کرده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب استفادهٔ نویسنده از اشعار شاعران معروف و مشهور ایران چون جامی، مولوی، و سعدی است (عباسی، ۱۳۹۶: ۵۹).

محمدحسین‌بن‌خلف تبریزی متخلص به برهان (۱۶۵۲م/۱۰۶۲هـ) فرهنگ فارسی تألیف خود را در خدمت سلطان‌عبدالله قطب‌شاه تهیه کرد و *برهان قاطع* را به او هدیه کرد که در حدود ۲۰۲۱۱ واژه و ترکیب دارد (رادفر، ۱۳۹۳: ۶۱). فرهنگ‌نامه‌های دیگری نیز در این دوره تألیف شدند، شامل *فرهنگ جامع* از محمدکریم‌بن‌مهدی‌قلی تبریزی؛ *فرهنگ آنندراج* محمدپادشاه متخلص به شاد؛ *فرهنگ گنج‌نامهٔ* علی‌بن‌طیفور بسطامی؛ *فرهنگ خزانه‌الغات* شاه‌جهان‌بیگم بهوپالی؛ *فرهنگ محتشمی* محمد وزیرالدین‌خان ملقب به سبقت که جُنگ محتشم‌الدوله بهادر است؛ *فرهنگ آصف‌الغات* نواب عزیز جنگ‌خان بهادر شمس‌العلما احمد عزیز نائطی؛ *فرهنگ ارمغان آصفی* محمد عبدالغنی‌خان فرخ‌آبادی متخلص به غنی. او این فرهنگ‌نامه را به نام محبوب‌علی‌شاه آصف‌جاه ششم، پادشاه دکن، تألیف کرد؛ *فرهنگ نظام* سیدمحمدعلی داعی‌الاسلام که در پنج‌جلد با حمایت میرعثمان علی‌خان پادشاه دکن به چاپ رسید (همان).

تعدادی از پادشاهان و حاکمان هند خود شاعر بودند و به فارسی شعر می‌سرودند، ازجمله سلطان جلال‌الدین فیروزشاه خلجی. در طول سی‌سال حکومت خلجیان در پایان قرن ششم و آغاز قرن هفتم و ظهور شاعر معروف فارسی‌زبان امیرخسرو دهلوی و مورخ معروف ضیاءالدین برنی گسترش زبان فارسی سرعت بیشتری یافت (جهان، ۲۰۰۲: ۱۵۰-۱۵۷). محمد تغلق‌شاه، فیروزشاه بهمنی، یوسف عادل‌شاه، اسماعیل عادل‌شاه متخلص به وفایی، حسین نظام‌شاه دکنی متخلص به سپهری، ظهرالدین بابر، جلال‌الدین اکبر، محمدقلی قطب‌شاه، سلطان زین‌العابدین پادشاه کشمیر، سلطان‌محمد قطب‌شاه متخلص به ضل‌الله، نورالدین جهانگیر، شاکر پادشاه حیدرآباد دکن، نواب میراحمدخان ناصر جنگ‌شهید متخلص به ناصری، میرعثمان علی‌خان نظام نواب حیدرآباد دکن، نواب کلبعلی‌خان متخلص به نواب حکمران رامپور، عبدالقدیرخان قندهاری حکمران ملیح‌آباد (عامر، بی‌تا: ۵۲). این حاکمان و پادشاهان از دوستداران ادبیات و نظم و نثر فارسی بودند و شعرای فارسی‌زبان را تشویق می‌کردند و علاقهٔ وافری به گسترش زبان و ادب فارسی نشان می‌دادند (حکمت، ۱۳۳۷: ۵۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

در دورهٔ حکومت لودیان، زبان فارسی زبان رسمی دربار شد. تعداد فراوانی از هندی‌ها فارسی یاد گرفته بودند و می‌توانستند آثار خود را به فارسی تألیف کنند. درنتیجه، رواج فارسی در هند، همهٔ زبان‌های بزرگ هند مثل بنگالی، پنجابی، گجراتی، و مراتی را تحت تأثیر قرار داد.

۲. ۲. نقش ظهوری در پیوند فرهنگی و گسترش زبان فارسی در هند (۹۹٤-۱۰۲۵ هـ‍ق)

۲. ۲. ۱. زندگی و زمانه

مولانا نورالدین محمد ظهوری ترشیزی، از شاعران نام‌آور قرن دهم و یازدهم، در قریهٔ جمند ترشیز (کاشمر کنونی) از توابع خراسان در حدود سال ۹۹۴ هـ‍ق دیده به جهان گشود. مؤلف *تذکرهٔ نتایج الافکار* دربارهٔ او نوشته است: «صدرآرای بزم‌کلام دلاویز، میرطاهر ظهوری اصل ترشیز، که ظهور ذات باکمالش بازار سخن را به متاع رنگین رواج بخشید و اهتزاز نسایم کلام دلگشایش گلشن فصاحت را سرسبز و شاداب گردانید» (گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۴۹۴). ظهوری در *ساقی‌نامه* و قصیده‌ای که در مدح ابراهیم عادل‌شاه دوم سرود، به شهر قاین اشاره کرده است (ظهوری، ۱۳۹۴: ۲-۳). پس از کسب فضائل و آموختن هنر شاعری در ایام جوانی به یزد رفت و به خدمت امیر غیاث‌الدین محمد میر میران والی یزد راه یافت و آنجا ندیم و هم‌نشین وحشی بافقی شد (صفا، ۱۳۶۶: ۹۷۹/۵). بعد از مدتی، در سال ۹۸۱ هـ‍ق، راه شیراز در پیش گرفت و در آن شهر نزد درویش حسین سالک شیرازی، شاعر، مورخ و نقاش شیرازی، به کتابت مشغول شد. سرانجام، پس از هفت‌سال مصاحبت با درویش حسین در سال ۹۸۸ راهی هند شد (باباسالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۹). در هند، ابتدا در احمدنگر با مولانا ملک‌قمی آشنا شد (صفا، ۱۳۶۶: ۹۵۳/۵).

ظهوری با دانشمندان، شاعران و شخصیت‌های عالی‌رتبه، که نام بسیاری از آنها در تذکره‌ها مشاهده می‌شود، دیدار می‌کرد. همچنین، با شمار زیادی از شاعران همعصر خود به‌طور مستقیم یا ازطریق نامه معاشرت می‌کرد؛ شاعرانی شامل ملک‌قمی، سنجر، کاشی، باقر، ذهنی، عرفی، نظیری، فیضی فیاضی (باباسالار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰؛ نهاوندی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). از میان شاعران همعصر ظهوری، ارتباط عمیق او با ملک‌قمی شایستهٔ ذکر است. هنگام اقامت این‌دو در احمدنگر، رفاقت ایشان زبانزد عام و خاص بود. ملک‌قمی دختر خود را به ازدواج ظهوری درآورد و این موضوع استحکام دوستی و همکاری ایشان را به‌دنبال داشت. هردو در یک‌زمان احمدنگر را به‌قصد بیجاپور ترک کردند و با هم و به‌صورت مشترک آثار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

ادبی خلق کردند. زندگی و مرگشان با هم بود. تقی اوحدی می‌گوید: «همیشه با هم بودند و در مردن هم به‌اتفاق رفتند. در میانه به سال نکشید» (ظهوری، ۱۳۹۴: ۱۰)، یا مؤلف *مآثر رحیمی* می‌گوید: «و گویا که میانهٔ او و مولانا ملک‌قمی شرط شده بود که در حیات و ممات با هم بوده باشند» (نهاوندی، ۱۹۳۱: ۳۷۸/۳).

ظهوری پس از پانزده‌سال سکونت در احمدنگر و پس از مرگ مرتضی نظام‌شاهی و برهان نظام‌شاهی، در سال ۱۰۰۳هـ‌ق و پس از تصرف احمدنگر توسط میرزا عبدالرحیم خان‌خانان، سپهسالار مغولان کبیر، از احمدنگر خارج شد و همراه ملک‌قمی رهسپار بیجاپور شد و به خدمت ابراهیم دوم عادل‌شاهی (۹۸۷-۱۰۳۵هـ‌ق) درآمد (صفا، ۲/۵/۱۳۶۶: ۹۵۳). ظهوری ترشیزی بیش از بیست‌سال در خدمت ابراهیم عادل‌شاه بود و قسمت عمده‌ای از کلیات آثار ادبی و تعلیمی خود را در بیجاپور فراهم آورد؛ ازجمله *گلزار ابراهیم* را به‌دستور شاه و با مشارکت ملک‌قمی فراهم آورد (صفا، ۲/۵/۱۳۶۶/: ۹۵۳؛ دریاباری و تجلیل، ۱۳۹۱: ۲۹). ظهوری مردی شیعه و فدایی ائمهٔ اطهار(ع) اما بی‌تعصب بود. ظهوری ترشیزی بیش از دیگر شاعران توجه عادل‌شاهیان را جلب کرد و در شعر و شاعری گوی سبقت را از دیگران به‌خصوص ملک‌قمی ربود، به‌گونه‌ای که عبدالباقی نهاوندی دربارهٔ او نوشته است که: «رسوم شعر و شاعری را در نزد مردم معتبر گردانید و بی‌غائلهٔ تکلف و شائبهٔ تصلب از استادان عدیم‌المثل این فن است و اکثر اهل عالم به اشعریت و استادی وی قائل‌اند» (نهاوندی، ۱۹۳۱: ۳۹۳). ظهوری و ملک‌قمی با یکدیگر به‌سر بردند و در خلق بعضی آثار ادبی همکاری کردند. آثار ظهوری در هندوستان به چاپ رسیده و در کتاب‌های درسی مطرح شده است (صفا، ۱۳۶۶: ۹۸۰/۵).

آثار ادبی قرن دهم مدیون ادیبانی چون ظهوری ترشیزی، ملک‌قمی، اهلی شیرازی، کلیم کاشانی، نظیری نیشابوری، محمدقاسم هندوشاه، سنجر کاشی، ابوطالب کلیم کاشی، محمد نامی تبریزی، و رفیع‌الدین شیرازی است. تلاش و همت اینان در این راه به این منجر شد که زبان فارسی در کلام شاعران فارسی‌گوی هندی‌تبار نهادینه شود و شعر بیدل دهلوی دلیلی بر این مدعاست. محمد ظهوری (فرزند ظهوری) کتابی فارسی به نام *محمدنامه* تألیف کرد که حوادث دوران سلطنت ابراهیم و محمد عادل‌شاه را دربرداشت (عالمی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

واله داغستانی معتقد بود که ظهوری ازنظر سخنوری و زبان‌دانی بی‌نظیر است (واله داغستانی، ۱۳۸۴). ظهوری در اصل قصیده‌پرداز و غزل‌سراست و درعین‌حال یکی از مفصل‌ترین ساقی‌نامه‌ها را دارد. ساقی‌نامهٔ او، که به نام نظام‌شاه برهان ثانی ساخته شده، در روزگار خودش بسیار معروف بوده و مورد استقبال و تقلید قرار گرفته است (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۶). او اگرچه در هندوستان شهرت بسزایی، به‌ویژه در جایگاه نویسنده‌ای صاحب نثر مصنوع، دارد، در ایران چندان مشهور نیست (براون، ۱۳۷۵: ۲۱۶). او در بیجاپور بسیار موردتوجه ابراهیم عادل‌شاه قرار گرفت و مبالغی را که با عنوان صله دریافت می‌کرد در میان دیگران تقسیم می‌کرد. از ویژگی‌های اخلاقی او صداقت، شوخ‌طبعی، زهد و عاشق‌بودن را می‌توان نام برد (ظهوری، ۱۳۹۴: ۲۱).

دربارهٔ مرگ ظهوری نظرهای متفاوتی مطرح شده است. براون مرگ ظهوری را در اثنای نزاعی دانسته است که در دکن در سال ۱۰۲۵هـ درگرفت و طی آن ملک‌قمی نیز کشته شد (براون، ۱۳۷۵: ۲۳۴). صفا اشاره کرده است که ظهوری یک‌سال پس از مرگ ملک‌قمی درگذشته است. ازطرفی، عبدالقادر بداونی در *منتخب التواریخ* مرگ ظهوری را در اثر هرج‌ومرجی می‌داند که در دکن به‌وقوع پیوست (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۹۵۳). گوپای‌موی تاریخ مرگ او را ۱۰۲۵ و در جایی دیگر سال ۱۰۲۴هـ ذکر کرده است (گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۴۹۵-۶۶۲). به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد در اواخر عمر این ادیب و شاعر ایرانی در دکن و بیجاپور نزاع و درگیری رخ داده و مرگ ایشان در یکی از این درگیری‌ها بوده است که یا هم‌زمان با مرگ ملک‌قمی یا یک‌سال بعد از مرگ او رخ داده است. محل مقبرهٔ ملک‌قمی را درکنار شاعر ایرانی سنجر کاشانی دانسته‌اند (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۹۵۳). به‌نظر می‌رسد محل دفن ظهوری ترشیزی نیز در همان مکان باشد. این چند بیت نمونه‌ای از اشعار او است:

هردم هوس نهد سخنی در زبان ما — مهری به بوسه کاش زنی بر دهان ما
پروانهٔ افسرده‌ام، امید که شمعی — با شعله کند دست و بغل بال و پرم را
چه بی‌کسانه نهادیم سر به بالش خشت — به غیر داغ جنون کس نمانده بر سرما
عشق آباد! که مسجود جهانی شده‌ام — قبلهٔ اهل محبت شده ویرانه ما
در شُکر و شکایتِ که باشم؟ — ما را که ز حال خود خبر نیست

(گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۴۹۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

۲. ۲. ۲. ظهوری ترشیزی و زبان فارسی در دربار نظام‌شاهیان دکن (۸۹۶-۱۰۰۷هـ/۱۴۹۱-۱۵۹۸م)

اصل‌ونسب خاندان نظام‌شاهی، برخلاف دو حکومت شیعه‌مذهب عادل‌شاهی و قطب‌شاهی، که ریشهٔ ایرانی داشتند و به‌نحوی با خاندان صفویه مرتبط بودند، هندو بود. به‌علت همین تفاوت، طبیعتاً حکومت نظام‌شاهی در ابتدای کار خود شرایط مناسبی برای ایجاد ارتباط با دولت صفوی نداشت و تنها زمانی که شاه‌طاهر توانست به دربار برهان نظام‌شاه راه پیدا کند، حکومت نظام‌شاهی به تشیع گرایید (۱۵۳۷م) (دفتری، ۲۰۰۶: ۲۱۰) و روابط نظام‌شاهیان و صفویه وارد مرحلهٔ جدیدی شد. دولت صفویه خود را موظف به حمایت از این دولت درمقابل حکومت مغولان کبیر می‌دانست (سراج، ۱۹۹۴: ۱۹۶). با اقدامات و کوشش‌های شاه‌طاهر روزبه‌روز بر مناسبات طرفین افزوده شد، هرچند حکومت نظام‌شاهی مدت زیادی بعد از بنیان‌گذاری به تشیع متمایل شد و در تعصب در باورها و اعتقادات مذهبی هم به‌مراتب تندروتر از دیگر حکومت‌های دکن بود (مجومدار، ۱۹۹۴: ۷/۴۱۵).

مؤسس واقعی خاندان حکومتی نظام‌شاهیان احمدشاه بحری پسر ملک‌نائب نظام‌الملک حسن بحری بود. قدرت‌گرفتن او به‌کمک پدرش، که در دربار بهمنی صاحب قدرت شده بود، میسر شد. نظام‌الملک حسن بحری پسر یک برهمن بود که در جنگ‌های احمدشاه بهمنی با حکومت ویجیانگر اسیر شد و احمدشاه او را به فرزندش «محمد سوم» داد. او موردتوجه خاص محمود گاوان بود و این امر راه را برای ترقی سریع او گشود. به توصیهٔ خواجه محمود گاوان، محمدشاه فرماندهی تلنگ را به او واگذاشت و به‌دلیل اعتمادی که به او پیداکرده بود، بنابر وصیتش، بعد از مرگ او نائب پسرش محمود شد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷۱/۲). او رفته‌رفته بر قدرت خود افزود، تا جایی که در سال ۸۹۶هـ قوای بهمنی را که برای سرکوب او آمده بودند شکست داد و ازآن‌پس به امر او به نام احمد عادل‌شاه خطبه خواندند و احمدنگر پایتخت او شد و لقب احمد نظام‌شاهی را برگزید (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

پس از درگذشت ملک‌احمد نظام‌شاه بحری در ۹۱۴ هق/۵۱۰م، پسرش برهان به سلطنت رسید و ۴۷ سال حکومت کرد. او دوستدار فرهنگ و تمدن ایرانی بود و دانشمندان و ادیبان بسیاری از ایران به دربارش راه پیدا کردند. در دورهٔ حکمرانی او، شاه‌طاهر از ایران به هند و احمدنگر رفت (۹۲۸هق). برهان تحت تأثیر علم و دانش شاه‌طاهر قرار گرفت و او را به مقام وزارت دربار خویش منصوب کرد، به تشویق و توصیهٔ او در سال ۹۴۲هق به مذهب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

تشیع روی آورد و آن را دین رسمی معرفی کرد. برهان به‌تشویق شاه‌طاهر در احمدنگر مدرسهٔ دوازده‌امامیه را بنیاد گذاشت (اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۳۵۳/۱). مدرسهٔ مذکور به یکی از مراکز بزرگ علمی دکن تبدیل شد و شمار زیادی از دانشمندان ایرانی‌تبار ازقبیل شاه‌حسن اینجو، شاه‌جعفر، ملاشاه‌محمد نیشابوری، ملاعلی استرآبادی، ملارستم جرجانی، ملاعلی مازندرانی، ملاابوبکر، ملاعزیزالله گیلانی و ملامحمدامام استرآبادی در این مرکز فعالیت می‌کردند (حسین‌اف، ۱۳۹۸: ۳۱). با گرایش برهان نظام‌شاه به تشیع، روابط خوب و گسترده‌ای با ایران صفوی برقرار شد و دولت‌های شیعی دکن ازجمله نظام‌شاهیان موردتوجه و حمایت دولت صفویان قرار گرفتند (ریاض‌الاسلام، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

ظهوری ترشیزی در سال ۹۸۸هـ به دربار نظام‌شاهیان و خدمت مرتضی نظام‌شاهی رسید و با ملک‌قمی که تحت حمایت نظام‌شاهیان بود آشنا شد. مرتضی نظام‌شاهی و بعد برهان نظام‌شاهی ثانی آنها را تحت حمایت خود قرار دادند (ظهوری، ۱۳۹۴: ۱). ظهوری در زمان اقامت خود مثنوی *ساقی‌نامه* را برای برهان نظام‌شاه سرود (دریاباری و تجلیل، ۱۳۹۱: ۳۲؛ ایندر، ۱۹۶۶: ۱۶۲). این اثر یکی از بهترین آثار او است و موردتوجه و پسند اکثر مردم نیز قرار گرفته است (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۹۳: ۴۸۴). گوپای‌موی به نقل از سرخوش در *کلمات الشعراء* می‌گوید:

> وقتی ظهوری ساقی‌نامه پیش برهان نظام‌شاه در احمدنگر ارسال داشت، پادشاه کرمی چند زنجیر فیل پر از نقد و جنس صلهٔ آن فرستاده در قهوه‌خانه نشسته تنباکو می‌کشید، فرستاده‌ها قبض‌الوصول خواستند، قلم برداشت، برنگاشت تسلیم کردند، تسلیم کردم (گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۴۹۵).

فیضی فیاضی که در دورهٔ برهان نظام‌شاه در سال ۹۹۹هـ از طرف اکبرشاه گورکانی به‌عنوان سفیر جهت اتحاد به دربار نظام‌شاهی گسیل شد، راجع به ظهوری و ملک‌قمی نامه‌ای به شاه بدین مضمون نوشت: «در احمدنگر دو شاعر خاکی‌نهاد صافی‌مشرب‌اند و در شعر رتبهٔ عالی دارند؛ یکی ملک‌قمی که به کس کمتر اختلاط می‌کند و همیشه مژهٔ تری دارد و دیگری ملاظهوری که به‌غایت رنگین‌کلام است و در مکارم اخلاق تمام عزیمت آستان‌بوس دارد» (گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۶۶۲؛ ظهوری، ۱۳۹۴: ۵). ظهوری بعدها پس از فتح گجرات قصیده‌ای برای خان‌خانان سرود که ازآن‌پس به‌لقب خان‌خانان مفتخر شد (دریاباری و تجلیل، ۱۳۹۱: ۳۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

دورهٔ اقامت ظهوری در دربار نظام‌شاهیان با جنگ و نزاع‌های داخلی و خارجی و خونریزی و قتل‌عام همراه بود و این در اشعار او مشهود است. به‌همین‌دلیل، آرزوی رفتن از احمدنگر را داشت و در زمان رسیدن به دربار عادل‌شاهیان در بیجاپور شاهد خلق بیشترین و بهترین آثار شاعر هستیم که به‌جهت احساس آرامش و امنیت او در سایهٔ حکومت عادل‌شاهیان است. هنگامی‌که ظهوری در بیجاپور بود، هرگز آرزوی رفتن به‌جایی دیگر را نداشت، ولی در دربار نظام‌شاهیان حتی در هنگام حکومت برهان نظام‌شاه از او برای سفر رخصت طلبید (بداونی، ۳/۱۸۶۸: ۱۶۵).

رحم اگر من نکنم بر خود و بر طالع خود — بر من و طالع من رحم کند صاحب من
از رگ و پی به سر کوی تو در زنجیرم — نظر مرحمتی سوی اسیران بفکن
(ظهوری، ۱۳۹۴: ۹)

یکی از آثار ارزشمند ظهوری که در احمدنگر و نزد نظام‌شاهیان خلق کرد و خدمت بزرگی به گسترش فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند کرد، *ساقی‌نامه* است. این اثر قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مثنوی از سه مثنوی شاعر است. *ساقی‌نامه* در حدود سال ۱۰۰۰هـ در مدح برهان نظام‌شاه، ولی‌نعمت ظهوری در احمدنگر، سروده شد که به‌اتفاق نظر همهٔ منتقدان، یکی از بهترین ساقی‌نامه‌هایی است که تاکنون نوشته شده و برای قرن‌ها یکی از مشهورترین کتاب‌های درسی مدارس هندوستان به‌شمار می‌آمده است (ظهوری، ۱۳۹۴: ۲۳). پنج *مثنوی* و کلیات شامل قصاید، ترجیع‌بند و ترکیب‌بندها، مقطعات، مطایبات، رباعی‌های هجوآمیز و غزلیات از او به‌جا مانده است (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۹۳: ۴۸۴).

ظهوری ترشیزی شاعر دورهٔ رواج سبک هندی است و سال‌ها در هند و در میان شاعران آن سرزمین زیسته و *ساقی‌نامهٔ* خود را نیز در آنجا سروده است. *ساقی‌نامه* و *مغنی‌نامه* را در یک نگاه کلی می‌توان شعر میخانه‌ای نامید. ازاین‌منظر، ساقی‌نامه شعری اجتماعی و آرمان‌خواهانه است. ممدوح در ساقی‌نامه‌های این عصر، پادشاه و گاه حاکم محلی یا وزیر و امیری است که به‌جهت تأثیر اوضاع فرهنگی و گرایش‌های مذهبی یا الزامات دیگر، گاهی هم یکی از امامان شیعه، به‌ویژه امام اول شیعیان، است (جوکار، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۱).

از اواخر قرن نهم هجری به بعد، به‌خصوص در دورهٔ صفویه، ساقی‌نامه‌سرایی در میان شاعران فارسی‌گوی هند با اقبال بیشتری نسبت به گذشته روبه‌رو شد. *ساقی‌نامهٔ* ظهوری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

ترشیزی با ۴۵۰۰ بیت یکی از بزرگ‌ترین ساقی‌نامه‌ها است. *ساقی‌نامهٔ* ظهوری پر از تلمیح است و با عناصر ایرانی و سامی آمیخته است؛ هرچند غلبه با تلمیحات ایرانی است، ازجمله به شخصیت‌های قباد، جم، ضحاک، فریدون، مسیح، مانی، رستم، نوشیروان، افراسیاب، گیو، سیاووش، بیژن، کی‌خسرو، زرتشت، دارا، شیرین، لیلی و مجنون اشاره کرده است. *ساقی‌نامهٔ* ظهوری در قیاس با نمونه‌های برجستهٔ دیگر بسیار پرشورتر و شاعرانه‌تر است و به‌ویژه در مذمت روزگار و اهل روزگار سخن گفته است (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

۲. ۲. ۳. ظهوری ترشیزی و زبان فارسی در دربار عادل‌شاهیان (۸۷۶-۱۰۹۶هـ/ ۱۴۹۰-۱۶۸۶م)

مؤسس سلسلهٔ عادل‌شاهی فردی به نام یوسف عادل‌شاه از شاهزادگان عثمانی (۸۹۵-۹۱۶هـ‌ق) است که در گذشته از بیم جان به ایران مهاجرت کرده و در ساوه زندگی کرده و بزرگ شده بود. رفیع‌الدین شیرازی، از مورخان ابراهیم عادل‌شاه دوم (۹۸۸-۱۰۳۷هق)، معتقد بود که یوسف نوهٔ محمودبیک حاکم ساوه است. او سپس به بیجاپور رفت و به خدمت بهمنیان درآمد و تحت حمایت و تربیت محمود گاوان وزیر بهمنیان قرار گرفت (حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۳). به‌گفتهٔ مؤلف *تاریخ فرشته*، چون عادل‌شاه در ساوه پرورش یافته بود، نزد مردم به یوسف عادل‌شاهی ساوجی معروف شد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۹۳: ۱/۳). یوسف عادل‌شاه شیفتهٔ فرهنگ و زبان فارسی بود (نیک‌پناه، ۲۰۱۸: ۲۱۵) و به‌دلیل زندگی در ایران به‌شدت تحت تأثیر فرهنگ ایرانی-شیعی قرار داشت. به‌همین‌دلیل، به نام دوازده‌امام خطبه خواند و شیعه را مذهب رسمی حکومتش قرار داد (مجومدار، ۱۹۹۴: ۴۴۹). او پس از مدتی از سلطنت بهمنیان جدا شد. در یک‌روز جمعه در ذی‌الحجهٔ سال ۹۰۸هـ به مسجدجامع بیجاپور رفت و به نقیب‌خان، که از سادات محترم مشهد بود، دستور داد در نماز جمعه عبارت «اشهد ان علیا ولی الله» را به اذان اضافه کند و خطبهٔ نماز را به نام دوازده‌امام علیهم‌السلام بخواند و نام سه جانشین اول پیامبر(ص) را حذف کند. یوسف اولین حاکمی بود که تشیع را دین رسمی هند اعلام کرد. او در این امر بسیار محتاطانه و باتدبیر عمل کرد. دشنام‌دادن به اصحاب پیامبر(ص) مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع بود. این سیاست گروه‌های متعصب شیعی و سنی بیجاپور را آرام می‌کرد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۲۷). با گرایش عادل‌شاه به تشیع و خواندن اذان برای اولین‌بار در دکن به سبک شیعه، موفق شد حمایت شاه‌عباس اول را جلب کند و حکومتش را از حمله و تجاوز جهانگیر پادشاه مغولان کبیر نجات دهد (عاشیق، ۲۰۱۷: ۱۲۶؛ هندوشاه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

استرآبادی، ۱۳۹۳: ۱-۱۵). یوسف عادل‌شاه در خط نستعلیق و دانش عروض و قافیه تبحر داشت و نوازنده‌ای چیره‌دست و در موسیقی سرآمد بود. او اهل شعر نیز بود و با تخلص «یوسف» درقالب غزل و رباعی به فارسی شعر می‌سرود (حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵). پسرش اسماعیل عادل‌شاه نیز شیفتهٔ ادب فارسی بود و با تخلص وفایی شعر فارسی می‌سرود. ابراهیم عادل‌شاه هم با حمایت از شاعران ایرانی چون ملک‌قمی و ظهوری ترشیزی در گسترش ادب فارسی تلاش بسیار کرد (نیک‌پناه، ۲۰۱۸: ۲۱۹).

بیجاپور مرکز تجمع شاعران و دانشمندان ایرانی ازجمله شاه فتح‌الله شیرازی، حکیم احمد گیلانی، محمود اصفهانی، محمدقاسم هندوشاه، شاه‌نوازخان شیرازی وکیل سلطنت ابراهیم عادل‌شاه دوم، اسدالله‌خان لاری، افضل‌خان شیرازی، رفیع‌الدین اردستانی، خواجه معین‌الدین محمد برادر شاه‌نوازخان، خواجه سعیدالدین عنایت شیرازی، ملاشکیبی، خواجه عنایت‌الله اردستانی، باقر کاشانی، ربیع‌الدین ابراهیم شیرازی بود، شخصیت‌های برجسته‌ای که بر حضور و نفوذ فرهنگ ایرانی و زبان و ادب فارسی در این دورهٔ تاریخی صحه می‌گذارند. دورهٔ پادشاهی ابراهیم‌شاه، محمد عادل‌شاه و عادل‌شاه دوم زمان طلایی فرهنگ و تمدن ایرانی در دکن بود (عاشیق، ۲۰۱۷: ۱۲۶). مهاجرت ایرانیان به بیجاپور از زمانی بیشتر شد که تجار ایرانی از قرن شانزدهم میلادی تجارت اسب را رونق دادند و به بیجاپور اسب وارد کردند (فاروقی، ۲۰۱۴: ۱۷۴). در این زمان، ظهوری از احمدنگر عازم بیجاپور شد و نزد دربار عادل‌شاهیان رفت و ابراهیم عادل‌شاه دوم به استقبال او رفت و او را به مقام ملک‌الشعرائی منصوب کرد (نهاوندی، ۱۹۳۱: ۳۹۳/۳؛ ظهوری، ۱۳۹۴: ۲).

ابراهیم عادل‌شاه صاحب انواع شایستگی‌ها و فضایل بود. دانشمندان بلیغ و شاعران نام‌آور از هر گوشه و کنار به دربار او راه می‌یافتند و برای همیشه در بیجاپور ساکن می‌شدند (حسین‌اف، ۱۳۹۸: ۳۲). ظهوری بهترین دستاوردهای ادبی خود را وام‌دار سخاوت ابراهیم عادل‌شاه ثانی است. سرزندگی و نشاط شاعر حتی در میان‌سالی بازتابی از رونق زبان فارسی در دورهٔ حکومت اوست. دورهٔ بیست‌سالهٔ زندگی ظهوری در سایهٔ حمایت این دربار از شاعر بسیار مهم است. خدمات ادبی ظهوری در این دوره چنان زیاد است که آثار بسیاری از شعرا در مقایسه با آثار و سروده‌های او به‌چشم نمی‌آید. او در این دوره دست‌کم ۱۳ ترکیب‌بند، ۴ ترجیع‌بند و تعداد زیادی غزل، تقریباً همهٔ رباعی‌هایش، ۲ مثنوی و ۳ قطعه در مدح و مرثیهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

امامان شیعه و همین‌طور مدح اشراف و شاهزادگان بیجاپور سروده است. در میان آثار باقی‌مانده از ظهوری، بخش بزرگ‌تر را آنهایی تشکیل می‌دهند که در بیجاپور کامل شده‌اند (دریاباری و تجلیل، ۱۳۹۱: ۴۰).

ظهوری آثار منثور نیز دارد. ویژگی نثر ظهوری که تذکره‌نویسان به آن اشاره کرده‌اند، شباهت نثر او به آثار منظوم است. آثار منثور او مورد تقلید شاعران دورهٔ بعدی، مثل ماهر و طغرا، قرار گرفت. از میان آثار منثوری که درحال حاضر در دسترس قرار دارند، می‌توان به سه دیباچه، سه رقعه، رساله‌های انشاء، «مینا بازار» و «پنج رقعه» اشاره کرد (باباسالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۵). معروف‌ترین اثر نثر او سه دیباچه است که در دورهٔ بعد با نام «*سه نثر*» از آنها یاد شده است.

سه نثر مجموعه‌ای است عبارت از سه دیباچه که برای سه اثر، ازجمله کتاب *نورس*، *گلزار ابراهیم*، و *خوان خلیل* نوشته شده است و ظهوری با این سه دیباچه اعتبار بیشتری یافته است. این دیباچه‌ها از خود آثار معروف‌تر شدند. در قرن سیزدهم، *سه نثر* در شبه‌قاره به‌همراه دیگر آثار بزرگ فارسی، ازجمله *گلستان* و *شاهنامه*، به‌عنوان کتاب درسی استفاده می‌شد و بارها به چاپ رسید. این اثر بزرگ به‌نسبت شهرتش در شبه‌قارهٔ هند، در ایران چندان شناخته نیست و تاکنون تحلیل و بررسی دقیقی دربارهٔ آن انجام نشده است (باباسالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

دیباچهٔ نورس مقدمه‌ای است بر کتاب *نورس خیال* اثر ابراهیم عادل‌شاه حاکم نظام‌شاهی که در سال ۱۰۰۵ یا ۱۰۰۶هـ نوشته شده است. موضوع این دیباچه به مدح پادشاه اختصاص دارد. ظهوری نثر نیکویی را در این کتاب به‌کار گرفته و به آهنگ کلمات و چگونگی شکل‌گرفتن موضوع کتاب، که دربارهٔ موسیقی است، توجه کرده است. نورس در زبان هندی به‌معنی مجموعه است (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۹۸۰). گوپای‌موی به نقل از صاحب *تاریخ عالم‌آرای عباسی* می‌گوید: «مولانا ملک‌قمی به‌اتفاق ملاظهوری ترشیزی *کتاب نورس* را که نه‌هزار بیت است، به نام عادل‌شاه تمام کرد. نه‌هزار هون بالمناصفه صله یافتند» (گوپای‌موی، ۱۳۸۷: ۶۶۲).

دیباچهٔ گلزار ابراهیم مقدمهٔ منظومی است که ظهوری و ملک‌قمی به‌اتفاق در مدح ابراهیم عادل‌شاه نوشتند (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۵: ۹۸۱). *گلزار ابراهیم*، بنابر مشهور، «معجزهٔ حضرت ابراهیم» است، اما در اینجا هم‌زمان به نام ممدوح نیز اشاره دارد. ظهوری و ملک‌قمی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

برای *گلزار ابراهیم* صلهٔ فراوانی از ابراهیم عادل‌شاه گرفتند (نهاوندی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). واحد صله در تذکره‌ها متفاوت است و به‌جز لاری، هون و محل نیز آمده است.

دیباچهٔ *خوان خلیل* هم مانند *گلزار ابراهیم*، در مدح ابراهیم عادل‌شاه است که ظهوری و ملک‌قمی برای دومین‌بار به‌صورت مشترک نوشته‌اند. این دیباچه در سال ۱۰۱۲ یا ۱۰۱۳هـ و حدوداً چهارسال بعد از دیباچهٔ *گلزار ابراهیم* نوشته شد. به‌احتمال زیاد، این دیباچه برای ابراز تشکر از صلهٔ *گلزار ابراهیم* نوشته شده است. کلمهٔ «خلیل»، که برای عنوان انتخاب شده، معمولاً به حضرت ابراهیم(ع) اشاره می‌کند، اما ظهوری در این اثر از ابراهیم عادل‌شاه با این صفت یاد کرده است. روش نگارش دیباچهٔ مذکور به دیباچه‌های قبل شباهت دارد، اما حجم آن در مقایسه با آنها تقریباً دوبرابر است و آزادی بیشتری نیز در ترتیب و تطویل نظم و نثرها مشاهده می‌شود. ازنظر موضوع هم به مثال‌های عینی و تعاریف تاریخی پرداخته که نشان می‌دهد ظهوری علاوه‌بر زیبایی ظاهری به محتوای موضوع نیز توجه داشته است. در این دیباچه، به وقایع تاریخی مانند تأسیس باغ نورس‌پور یا توصیف شش هنرمند دربار ابراهیم عادل‌شاه اشاره شده که از دیدگاه تاریخی نیز باارزش است (باباسالار و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

مهاجران ایرانی در شبه‌قارهٔ هند توفیق یافتند که با کمک حکومت‌های مسلمان منطقه فرهنگ و تمدن ایرانی را گسترش دهند و به‌طور حتم علاقه‌مندی حاکمان مسلمان شبه‌قارهٔ هند به فرهنگ و تمدن ایرانی عامل مهمی در این زمینه بوده است. ایرانیان در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و پزشکی منشأ خدمات شایسته‌ای بودند که به فارسی ثبت و حفظ شده است. زبان فارسی بیش از هشت‌قرن زبان رسمی و اداری شبه‌قارهٔ هند بود و اشعار فارسی از دربار و نزد شاهان به میان عموم مردم گسترش یافت. ظهوری ترشیزی یکی از این مهاجران ایرانی بود که در قرن دهم و یازدهم به هند و دکن رفت و آثار ارزشمندی را چون *ساقی‌نامه*، دیباچهٔ نورس، خوان خلیل، و گلزار ابراهیم، تحت حمایت و تشویق نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان پدید آورد و زبان فارسی را در شبه‌قارهٔ هند تقویت کرد. اگر حضور انگلیسی‌ها و تلاششان برای کم‌رنگ‌کردن زبان فارسی در هند نبود، امروز شاهد حضور قوی و گستردهٔ زبان فارسی در کلیهٔ شئون زندگی این مردم بودیم. امید است با توجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

بیشتر به معرفی شخصیت‌های تأثیرگذار ایرانی و آثار ایشان در گسترش فرهنگ و زبان فارسی، تلاشی هوشمندانه در گسترش مجدد فرهنگ ایرانی در شبه‌قارهٔ هند صورت گیرد که با توجه به اشتراکات فراوان تاریخی و فرهنگی دور از انتظار نیست.

منابع

اسلامی‌فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۵) «نقش پزشکان مهاجر عصر صفوی در ترویج زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند». *تاریخ پزشکی*. دورهٔ هشتم. شمارهٔ ۲۸: ۱۹-۲۶.

اطهر رضوی، سید عباس (۱۳۷۶) *شیعه در هند*. جلد اول. قم: دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیهٔ قم.

باباسالار، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۸) «سه‌نثر ظهوری ترشیزی و جایگاه آن در ادبیات فارسی». *متن‌پژوهی ادبی*. دورهٔ بیست‌وسوم. شمارهٔ ۷۹: ۱۲۷-۱۵۸.

بداونی، ملاعبدالقادر (۱۸۶۸م) *منتخب التواریخ*. هندوستان: کلکته.

براون، ادوارد (۱۳۶۷) *تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی*. ترجمهٔ مجتبی مجتبایی و غلامحسین افشار. تهران: مروارید.

براون، ادوارد (۱۳۷۵) *تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر قاجار*. تحشیه و تعلیق عبدالحسین نوایی و ضیاءالدین سجادی. ترجمهٔ بهرام مقدادی. تهران: مروارید.

جوکار، منوچهر (۱۳۸۵) «ملاحظاتی در ساختار ساقی‌نامه با تأکید بر دو نمونهٔ گذشته و معاصر». *پژوهش‌های ادبی*. شمارهٔ ۱۲-۱۳: ۹۹-۱۲۲.

حسین‌اف، سیدجلال (۱۳۹۸) «حیات علمی-فرهنگی دکن». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. شمارهٔ ۱۴۸: ۳۲-۵۰.

حسین‌زاده، هدی (۱۳۹۵) «روابط صفویان با عادل‌شاهیان و تأثیر آن بر گسترش فرهنگ و زبان و ادب فارسی در دکن». *اطلاعات حکمت و معرفت*. سال یازدهم. شمارهٔ ۸: ۳۲-۳۷.

حسن‌پور آلاشتی، حسین (۱۳۹۴) «سه‌تن از بزرگ‌ترین مروجان شعر فارسی سبک هندی در هندوستان». *مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه خوارزمی*. شمارهٔ ۱۸: ۸۰-۶۹.

حکمت، علی‌اصغر (۱۳۳۷) *سرزمین هند*. تهران: دانشگاه تهران.

دریاباری، سیده‌پرنیان، و جلیل تجلیل (۱۳۹۱) «نقش نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان در خلق آثار تعلیمی ظهوری ترشیزی». *تحقیقات تعلیمی و غنائی زبان و ادب فارسی*. شمارهٔ ۱۲: ۲۹-۴۴.

رادفر، ابوالقاسم (۱۳۹۳) «فرهنگ‌نویسی فارسی در هند جنوبی (دکن)». *کهن‌نامهٔ ادب پارسی*. سال پنجم. شمارهٔ ۲: ۵۷-۷۰.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

دلیر، نیره، و خدیجه سهراب‌زاده (۱۳۹۴) «جستاری در تغییر مذهب نظام‌شاهیان دکن، بازخوانی روایات تاریخی». *تاریخ اسلام*. شمارهٔ ۱۷: ۳۷-۵۰.

ذکایی ساوجی، مرتضی (۱۳۷۸) «یوسف عادل‌شاه ساوجی، منادی تشیع در هند». *کیهان اندیشه*. شمارهٔ ۸۳: ۱۲۱-۱۴۰.

ریاض‌الاسلام (۱۳۹۱) *تاریخ روابط ایران و هند در دورهٔ صفویه تا افشار*. ترجمهٔ محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳) *سیری در شعر فارسی*. تهران: نوین.

شهریار نقوی، حیدر (۱۳۴۱) *فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*. تهران: وزارت فرهنگ.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶) تاریخ *ادبیات در ایران*. جلد پنجم. چاپ سوم. تهران: فردوس.

صادقی‌علوی، محمود (۱۳۸۸) «تأسیس حکومت عادل‌شاهیان در دکن و سیاست‌های مذهبی یوسف عادل‌شاه». *اندیشهٔ تقریب*. شمارهٔ ۲۱: ۱۰۰-۹۱.

ظهوری ترشیزی (بی‌تا) نسخهٔ خطی مجلس شورای ملی. شمارهٔ ۱۴۰۴۲.

ظهوری ترشیزی، نورالدین (۱۳۹۴) *ساقی‌نامه سرودهٔ نورالدین محمد ظهوری ترشیزی* (۱۰۲۵-۹۴۴هـ). مقدمه و تصحیح و تعلیقات علی‌اصغر باباسالاری و پرنیان دریاباری. تهران: دانشگاه تهران.

عالمی، خدیجه (۱۳۸۹) «ملوک بهمنی و جایگاه تشیع در دکن». *شیعه‌شناسی*. شمارهٔ ۳۹. دورهٔ دهم: ۱۰۱-۱۳۰.

عالمی، خدیجه (۱۳۹۳) «جایگاه تشیع در دربار عادل‌شاهیان». *شیعه‌شناسی*. شمارهٔ ۴۷: ۷۹-۱۰۶.

عامر، خان‌محمد (بی‌تا) «علل گسترش و رواج زبان و ادب فارسی در هند». *نامهٔ پارسی*. سال چهارم. شمارهٔ ۴: ۴۲-۶۴.

عباسی، محمد (۱۳۹۶) «پژوهشی پیرامون کتاب تذکره‌الملوک اثر رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی مورخ دربار عادل‌شاهیان براساس نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملی پاریس». *پژوهشنامهٔ تاریخ تمدن اسلامی*. سال پنجم. شمارهٔ ۱: ۴۹-۶۹.

قادری، محیی‌الدین (۱۳۹۳) *میرمحمدمؤمن استرآبادی، مروج تشیع در جنوب هند*. ترجمهٔ علی جاروی. قم: مورخ.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۸) *تذکرهٔ پیمانه*. تهران: کتابخانهٔ سنایی.

گوپای‌موی، محمد قدرت‌الله (۱۳۸۷) *تذکرهٔ نتایج افکار*. تصحیح یوسف بیک‌باباپور. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

مظفر، محمدحسین (۱۳۹۱) *تاریخ شیعه*. ترجمهٔ محمدباقر حجتی. چاپ چهاردهم. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

قاسمی، میرمنصور شریف‌حسین (بی‌تا) «نقش زبان فارسی در هند». *نامهٔ پارسی*. سال سوم. شمارهٔ ۳: ۵۵-۵۹.

محمدی، حسین (۱۳۹۷) «نقش میرمحمدمؤمن استرآبادی در گسترش فرهنگ ایرانی-شیعی در دکن». *تاریخ تشیع*. شمارهٔ ۲۳: ۲۳-۳۴.

معصومی، محسن (۱۳۸۹) *فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دورهٔ بهمنیان*. تهران: علمی و فرهنگی.

معصومی، محسن، و فاطمه اصغری (۱۳۹۷) «پیامدهای مهاجرت شیعیان ایرانی به دربار حکومت‌های شیعی دکن (قطب‌شاهیان، عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان)». *پژوهشنامهٔ تاریخ تمدن اسلامی*. دورهٔ پنجاه‌ویکم. شمارهٔ ۱: ۹۹-۱۱۵.

نعمانی، شبلی (۱۳۳۴) *شعر العجم یا ادبیات منظوم ایران*. ترجمهٔ سیدمحمد فخرداعی گیلانی. جلد سوم. تهران: بی‌نا.

نعمانی، شبلی (۱۳۶۸) *شعر العجم*. ترجمهٔ سید محمدتقی فخرداعی گیلانی. سه جلد. چاپ سوم. تهران: دنیای کتاب.

نهاوندی، عبدالباقی (۱۹۳۱) *مآثر رحیمی*. به سعی و تصحیح محمد هدایت حسین. جلد سوم. کلکته: ایشیاتیک سوسائیتی بنگاله.

واله داغستانی، علی‌قلی‌خان (۱۳۸۴) *ریاض الشعراء*. تصحیح و تحقیق از ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.

هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳) *تشیع در هند*. ترجمهٔ آذرمیدخت مشایخ فریدونی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۸) *تاریخ فرشته*. تصحیح محمدرضا نصیری. جلد دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۹۳) *تاریخ فرشته*. تصحیح محمدرضا نصیری. جلد سوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Ashiq.A, (2017) *Deccan Sultanates and Persian: The political and cultural relations in the medieval age*, University of Hyderabad, Asian Journal of multidisciplinary studies, Vol 5, (AJMS)pp.125-128

Daftari, Farhad (2006) *Husayni Shah Tahir b. Radi al –Din*, The Biographical Encylopedia of Islamic philosophy, ed, Oliver, published by The Institude of Ismaili studies, pp209-211

Farooqi, Ahmad, Salma (2014) *comprehensive history of medieval India Twelfth to the mid Eighteenth century*, Pearson Publication, New Delhi

Husain, Mahdi (1977) *Persian as the well-head of research in the history of India from 1030 to 1857 A.D*, Indo- Iran studies – Iran House, New Delhi, pp.111-117.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.12.9]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.261]

Inder Kaur, Kumari (1966) *Rize one falls the NIZAM SHAHI dynasty*, Poona University. India

Jahan, Nargis (2002) *Indo – Iran cultural relations during the Khalji period*: literary aspect, a section of article read at the first seminar on Indo-Iran relations, University of Mumbai, India

Kirmani, Waris (1977) *The nature and dimensions of Sabk-i- Hendi*, Indo-Iran studies – Iran House, New Delhi, pp221-206

Moid, M.A, Shasi kumar and others (2005) *A study of communal and peace Initiatives in Hydarabad past and present*, Aman Trust, New Delhi, India pp.*1-52*

Maryam, Fatima *(2012) Relation of the Sufis with the rulers* of Deccan 14th -17th, Aligarh Muslim University, India

Majumdar, R.C, (1994) *The history and culture of the India people (The Mughul empire)* Vol 7,2nd edit, Bharatiya Vidya Bhavan, Bombay

Majumdar, R.C, (2006*) The history and culture of the India people* (The Delhi Sultanate) Vol 6,5th editon, Bharatiya Vidya Bhavan, Bombay

Nagarkar, D.D (1977) *Glimpses of Ahmednagar*, Publisher by Shri N.N Barshikar, Gandhi Maidan, Ahmednagar, Indiahigher educational complex of Saravan m, Sistan and Baluchestan, Iran, International journal of environmental & science education, vol 13, No 2

Nikpanah, Mansour, (2018) *The role India's Adili Dynasty in spreading Persian language*.

Rathnakar, Hosamani (2018) *Some Architectural replications of Adil Shahi of Bijapur*, Aayushi International interdisciplinary research journal (AIIRJ), Vol 7, Gulbarga University, Kalaburagi, India

Siraj Anwar, Mohd (1994) *The relation of the Mughal empire with the Ahmadnagar kingdone (1526-1636)* Center of advanced study department of history Aligarh Muslim University, Aligarh0 India

Sarasvati. N,/jafari, Vali(2019) *Reason causing Persian migration into India during 16-18th century*,International research journal of management sociology and Humaniti, Vol 10,Issue 7 pp.105-112

Singh Talid, Gurbachan, (1977) *The Punjab and their Iranian heritage*, Indo- Iran studies – Iran House, New Delhi, pp220-205